

The drivers of the transition from the stages of modern Islamic civilization and achieving the desired Islamic society in the intellectual system of the Supreme Leader

Isa Molavi Vardanjani*

Amir Siahpoosh**

Abstract

The Supreme Leader, as a strategic thinker, outlined the vision of the Iranian political system in the form of the realization of a new Islamic civilization. In this approach, the thinkers of the Iranian political system studied to lay the groundwork for the realization and achievement of a new Islamic civilization. Researchers in this field, based on various theories as well as effective components, have proposed requirements for the creation of a new Islamic civilization; But the main issue of how to transition from the current situation to the ideal and desirable situation (modern Islamic civilization) is still neglected. Therefore, the question of the present study is the drivers of the transition from the stages of modern Islamic civilization to achieve the desired Islamic society in the knowledge system of the Supreme Leader. The findings of the research indicate that the Supreme Leader of the Islamic Revolution considers the four categories of "creating material welfare", "social justice", "preserving the revolutionary spirit and ideals" and "benefiting from Islamic moral values" as drivers of the transition from different stages of civilization. Modern Islam and submission to the desired Islamic society. The

* PhD student in Islamic Revolution, University of Islamic Studies (Corresponding Author),
molavi131@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Islamic Revolution, University of Islamic Studies,
amirsiahpoosh370@yahoo.com

Date received: 2021/02/02, Date of acceptance: 2022/07/25



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

extraction of these categories has been obtained by inferring from the guidelines of the Supreme Leader, relying on the method of content analysis and based on rational documents.

Keywords: Supreme Leader, New Islamic Civilization, Desirable Islamic Society, Propulsion, Political Thought.



پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی و دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری

عیسی مولوی*

امیر سیاهپوش**

چکیده

مقام معظم رهبری به‌مثابه متفکری راهبردنگر، چشم‌انداز نظام سیاسی ایران را در قالب تحقق تمدن نوین اسلامی ترسیم نمود. در این رهیافت اندیشمندان نظام سیاسی ایران جهت بسط‌سازی تحقق و دستیابی به تمدن نوین اسلامی به مطالعه برخاستند. پژوهندگان این حوزه مبتنی بر نظریه‌های مختلف و همچنین مؤلفه‌های مؤثر، بایسته‌هایی را برای ایجاد تمدن نوین اسلامی مطرح نموده‌اند؛ اما مسئله اصلی چگونگی گذار از وضعیت موجود به سمت وضعیت آرمانی و مطلوب (تمدن نوین اسلامی) همچنان مغفول مانده است. به این خاطر، سؤال پژوهش حاضر، پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی جهت دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی در نظام دانایی مقام معظم رهبری می‌باشد. یافته‌های تحقیق گویای آن است که رهبر انقلاب اسلامی، چهار مقوله «ایجاد رفاه مادی»، «عدالت اجتماعی»، «حفظ روحیه و آرمان‌های انقلابی» و «بهره‌مندی از ارزش‌های اخلاقی اسلامی» را به‌عنوان پیشران‌های گذار از مراحل مختلف تمدن نوین اسلامی و ایصال به جامعه مطلوب اسلامی مطرح می‌نمایند. استحصال این مقوله‌ها با استنتاج از رهنمودهای مقام معظم رهبری، متکی بر روش تحلیل مضمون و با اکتفا بر مستندات عقلی به دست آمده‌اند.

* دکترای گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول)، molavi131@gmail.com

** استادیار گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، amirsiahpoosh370@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی، جامعه مطلوب اسلامی، پیشران، اندیشه سیاسی.

۱. مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم در ثبات نظام برخاسته از انقلاب، مسئله اصلی، فرجام انقلاب مورد بحث قرار می‌گیرد. هر انقلابی به فراخور ایدئولوژی منبعث از آن، اهدافی را در چشم‌انداز و افق پیش روی خویش ترسیم ساخته است. انقلاب اسلامی نیز همچون سایر انقلاب‌های دیگر جهان وضعیت مطلوبی را در ساخت جامعه مطلوب اسلامی برای آینده خویش در نظر دارد. در چشم‌انداز مقام معظم رهبری وضعیت مطلوب نظام سیاسی ایران، دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که برای بسترسازی تحقق آن مراحل را ذکر نموده‌اند؛ بدین خاطر مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که گذار از مراحلی که جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی طرح گردیده است، چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟ محققان و پژوهشگران بر اساس نگرش‌های مختلف در خصوص دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی الگوها و اصول متفاوتی را مطرح نموده‌اند و نظریه‌های متفاوتی مرکز ثقل تحقیقات پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما مطالعه برای برون‌رفت از وضعیت موجود و گذار از مراحل مختلف، جهت تحقق جامعه مطلوب مبتنی بر معادلات فکری آیت‌الله خامنه‌ای کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته شده است. آنچه این تحقیق را از سایر آثار متمایز می‌سازد افزون بر آنکه مدار مطالعات برای دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی مبتنی بر بیانات رهبری قرار گرفته است. راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود را نیز بر اساس راهبردهای ایشان لحاظ کرده است. مقام معظم رهبری در پیامی در سال ۱۳۶۸ چهار عامل «رفاه مادی» همراه با «عدالت اجتماعی» و توأم با «روحیه و آرمان انقلابی» با برخورداری از «ارزش‌های اخلاق اسلامی» را به‌عنوان پیشران‌های عبور از مراحل تمدن نوین اسلامی و ساخت جامعه اسلامی برشمرده و معتقد است اگر هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف و یا مورد غفلت واقع شوند بقای انقلاب اسلامی و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد بود. به این خاطر ساختار پژوهش حاضر با ابتدای بر نگرش رهبری جهت گذار از مراحل مختلف تمدن نوین اسلامی ساماندهی خواهد شد.

در مورد پیشینه تحقیق باید اذعان داشت آثار معتابھی به ابعاد مختلف جامعه مطلوب اسلامی و همچنین تمدن نوین اسلامی به نگارش درآمده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۵۱

«درآمدی بر اندیشه سیاسی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در تحقق جامعه اسلامی» اشاره کرد. آنچه پژوهنده این تحقیق استنتاج نموده، این است که فضای ذهنی و عملکرد رهبری، گویای نظامی هماهنگ و ادامه‌دهنده گفتمان فکری علمای پیشین و استمراربخش گفتمان امام خمینی در نظام جمهوری اسلامی است. (ر.ک: فتاحیان، ۱۳۹۹) در اثر دیگر با عنوان «آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی» نویسنده مدعی گشته برای تحقق جامعه آرمانی نیاز است از ابزارهای علمی جهت ترسیم چشم‌انداز متناسب با ارزش‌های حاکم بر جامعه بهره‌برداری شود تا بتوانیم برای نیل به جامعه مطلوب برنامه‌ریزی کرد. (ر.ک: قانع، ۱۳۸۸) در «نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها (راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد)» نویسنده با روش داده بنیاد تلاش کرده است با تجمیع مؤلفه‌هایی در حوزه‌های معرفتی، اعتقادی به‌عنوان شرایط درونی و مؤلفه‌هایی همچون استکبارستیزی، به‌عنوان عوامل بیرونی و فکت‌هایی همچون رفتار خواص، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در شکل‌گیری جامعه اسلامی به مطالعه بپردازد. (ر.ک: مهری، ۱۳۹۵) مقاله دیگر «تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی» است نویسنده با بهره‌مندی از روش سوات، نقاط قوت و ضعف جهان اسلام و فرصت و تهدیدات پیش رو را برای ایجاد تمدن نوین اسلامی مورد تحلیل قرار داده است. (ر.ک: قاسمی، ۱۳۹۶) با توجه به آثاری که در این حوزه مطرح شد تحقیقی که به پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی پرداخته شده باشد به صورت مستقل یافت نشد. بدین خاطر این پژوهش در این بُعد دارای نوآوری می‌باشد.

۲. مفهوم‌شناسی پیشران

واژه پیشران (Propellant) در لغت به معنای جلو راندن، سوق دادن و پیش بردن است.^۱ این واژه در سناریونویسی و آینده‌پژوهی کاربرد ویژه‌ای دارد. زیرا بدون شناسایی از مؤلفه‌های پیش‌برنده یک موضوع، طریقی برای دستیابی به مطلوبات و چشم‌اندازها وجود ندارد. (شوارتز، ۱۳۹۰: ۲۲۶) در اصطلاح برای واژه پیشران، تعاریف گوناگونی لحاظ گشته است؛ برخی آن را عواملی که در پس‌روند، پتانسیل تغییر را دارند و غالباً به عنوان نیروهای پیش‌برنده شناخته می‌شوند؛ تعریف کرده‌اند. (گوردون، ۱۳۹۲: ۱۸۲) برخی دیگر پیشران را «نیروی تغییرساز» که سبب تحول‌آفرینی در جامعه می‌شود؛ برشمرده‌اند. (ر.ک: اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۷) با توجه به اینکه پژوهش حاضر به مطالعه در مورد فرایند گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی و

تحقق جامعه مطلوب اسلامی است؛ نیاز به راهبردهایی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی و دستیابی به وضعیت مطلوب را ضروری می‌داند. به این خاطر در این تحقیق می‌توان پیشران را به عواملی که منجر به حرکت و تغییر در وضعیت موجود می‌شوند و فرجام آن را معین می‌سازند، تعبیر نمود؛ زیرا تنها با شناخت و آگاهی از پیشران‌ها توانایی سازمان‌دهی و عملیاتی نمودن آینده مطلوب میسر می‌گردد. این پیشران‌ها با کنکاش در بیانات رهبری استخراج گشته و مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

۳. روش پژوهش

هرچند گردآوری اطلاعات بر اساس روش کتابخانه‌ای در آثار مقام معظم رهبری صورت گرفته، اما تحلیل داده‌های پژوهش، طبق روش تحلیل مضمون با رویکرد راهبردی بوده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود از داده‌های کیفی است. (رحیمی و سپهری، ۱۳۹۷:۹۳) این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را غنا بخشیده و تفصیل می‌دهد. واژه مضمون، بین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. در مجموع، مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در مورد سؤالات تحقیق است. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۹)

اجرای روش تحلیل مضمون در این پژوهش، در چند گام اساسی صورت گرفته که در گام اول، بیانات، پیام‌ها و خطبه‌های مقام معظم رهبری، مطالعه و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این مرحله ایده‌های اولیه در رابطه با گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی تبیین، طبقه‌بندی و کدگذاری می‌شوند. سپس داده‌های به‌دست آمده و مضامین هم‌سنخ، کدگذاری می‌گردند.

گام بعدی تحلیل مضامین است. در مرحله بعد، مضامین تحلیل یافته، مورد بازبینی و پالایش مجدد قرار خواهد گرفت و نتایج حاصل می‌شود که در نهایت با تحلیل شبکه‌ای مضامین پالایش یافته، نتیجه نهایی پیرامون پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی استخراج می‌شود و دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی محقق می‌گردد.

۴. ایجاد رفاه مادی

موضوع رفاه مادی پیوند ناگسستنی با شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی دارد؛ همچنان که میان رفاه مادی و سطح سلامت روانی و جسمی افراد ارتباط وجود دارد. به عبارتی کیفیت زندگی مادی انسان‌ها و برخورداری از خدمات بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل و... سبب سلامت جسمی؛ و عدم دغدغه تأمین هزینه‌های زندگی موجب آسایش خاطر؛ و توأم گشتن این رفاه با ارزش‌های اخلاقی موجب تضمین سلامت روانی می‌گردد؛ و زمانی که رفاه مادی همراه با ایمان و دین‌مداری شود؛ زمینه دستیابی به اهداف الهی و سعادت انسانی میسر می‌گردد. بنابراین مسئله رفاه در تحقق وضعیت مطلوب، نقش معتنا بهی دارد. در این رهیافت باید خاطر نشان کرد

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی نیست- که خود، یکی از سوغات‌های شوم فرهنگ غرب است- بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعداد‌های ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بریندد. (پیام رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

بنابراین از منظر رهبری مؤلفه‌هایی برای شکل‌گیری رفاه مادی ضروری است که مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. مبتنی بر یافته‌ها اشاره می‌شود.

مضمون اصلی	مضمون فرعی	داده‌های بیانات رهبری
ایجاد رفاه مادی	بهبودراری از ظرفیت‌های منابع طبیعی	ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است
		بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی در کشور ما است. علاوه‌ی بر این، معادن طلا و معادن فلزات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ‌آهن، سنگ‌های قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی در کشور وجود دارد
		ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی در رتبه‌ی اول جهان است
	سلامت و بهداشت روان	بیمار جز رنج بیماری دغدغه و رنج دیگری نداشته باشد
		مسئله‌ی سلامت، جزو مسائل درجه‌ی یک هر کشوری است،
		ارتقاء شاخص‌های سلامت برای دستیابی به جایگاه اول در منطقه آسیای جنوب غربی

رونق اقتصادی	با توجه به محوری بودن مسئله عدالت در کشور، امید است اقدامات مفیدی به منظور بهبود بیش از پیش شاخص‌های سلامت و بهداشت انجام شود
	اولین مطلب... مسئله‌ی بهبود فضای کسب‌وکار است
	اگر تولید شد، آن وقت در بخش‌های مختلفی تحول ایجاد خواهد شد؛
بکارگیری استعداد نیروهای انسانی	نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است.
	ارتقای سطح آموزش، پژوهش و بهره‌وری نیروی کار در جهت افزایش سهم منابع انسانی در ترکیب عوامل مؤثر در تولید ثروت ملی
	ایستادگی، عزم راسخ، توکل به خدا و امید به آینده... معجزه می‌کند
	منابع انسانی یک گنجینه و یک ثروت عظیم برای هر کشوری هستند
	پرورش نیروی انسانی تمدن‌ساز.
	تلاش کنید از نخبگان در چیدمان مدیریتی کشور استفاده کنید.
	مدیریت‌های میانی به این جور جوان‌ها احتیاج دارند... بخصوص از آن‌هایی که متدین و دنبال کارهای دینی و اسلامی و مانند این‌ها هستند

۱.۴ بهره‌وری از ظرفیت‌های منابع طبیعی در پیشبرد نظام سیاسی

از جمله روش‌های مطلوب‌سازی رفاه انسانی فهم دقیق از ظرفیت سرمایه اجتماعی در منابع طبیعی است. بهره‌برداری از منابع طبیعی ارتباط مستقیمی با رشد اقتصادی و در نتیجه شکل‌گیری رفاه مادی آحاد مردم دارد. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شده است

ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است؛ منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است.

می‌توان این ظرفیت را با برخورداری از نیروی مستعد انسانی در خدمت اقتصاد کشور قرار داد. متأسفانه «ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است... باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.» تا جامعه

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۵۵

بتواند از رفاه مادی قابل‌اعتنایی بهره‌مند شود. البته در کارآمدی منابع طبیعی می‌بایست با رانت‌جویی مبارزه شود؛ خصوصی‌سازی اقتصاد و کنار نهادن پروژه‌های دولتی دیر بازده صورت گیرد و اثر نامتقارن شوک‌های نفتی از بین برود. زیرا سیاستمداران با افزایش و کاهش قیمت نفت، سیاست‌هایی اجرا می‌کنند که با کمبود منابع، توجیهی در بر ندارد. (کاویانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۴) به صندوق توسعه ملی اهمیت داده شود و ورود ارزهای حاصل از فروش نفت مدیریت گردد تا قادر بود سرمایه و تلاش اصلی دولت را بر منابع طبیعی متمرکز کرد.

۲.۴ سلامت و بهداشت جامعه

از جمله مؤلفه‌ها حیاتی هر جامعه‌ای که با رفاه مادی جامعه رابطه مستقیم دارد؛ مسئله سلامت و بهداشت است. نظام سیاسی برای پیشبرد جامعه به سمت پویایی باید ساختارها و بافت‌های کلان را در ابعاد مختلف از جمله نظام سلامت و بهداشت ارتقا بخشد و به‌نوعی به سمت مدل‌سازی و ترسیم فرضی ساختار مطلوب سوق یابد تا بتواند از وضعیت موجود به سمت مطلوبیت حرکت نماید. لازمه این‌که بتوان سطح سلامت را ارتقا داد پویایی در حوزه علمی، خودکفایی و جهانی‌شدن است که رهبری در حوزه سلامت به این سه بعد توجه ویژه‌ای دارد. ایشان در حوزه ابتکار علمی می‌فرمایند: «اگر ما در صنعت،... بهداشت و درمان و در بخش‌های دیگر، عنصر علم را داخل کنیم و عنصر علم و ابتکار علمی و پیشرفت علمی و حضور دانشمند، وارد معادلات شود؛ اوضاع به‌کلی فرق می‌کند، جهش به وجود می‌آید.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۶/۴) در نظام فکری رهبری، اقتدار علمی منجر به شکوفایی و رشد در سطوح مختلف نظام سیاسی می‌شود.

مقام معظم رهبری ضمن توجه به پیشرفت‌های نظام سیاسی در حوزه سلامت می‌فرماید: «هنوز راه طولانی تا نقطه مطلوب وجود دارد؛ ولی با توجه به محوری بودن مسئله عدالت در کشور، امید است اقدامات مفیدی به‌منظور بهبود بیش‌ازپیش شاخص‌های سلامت و بهداشت انجام شود.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۱۰/۲۷) برای مطلوبیت، ضروری است در مسیر خودکفایی گام برداشته شود. به این خاطر سه مؤلفه مدیریت، مسائل روانی حوزه سلامت و دغدغه مالی بیماران را مورد توجه قرار می‌دهند و مطرح می‌کنند باید مسئولین اولویت فعالیت‌ها را در مسئله سلامت بدانند: «مسئله سلامت جزء اولویت‌های اول هر کشوری است؛ یعنی اگر ما دو سه مسئله درجه یک را بخواهیم کنار بگذاریم، بلاشک یکی از آن‌ها مسئله سلامت و بهداشت و درمان است.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۱۱)

در بعد روانی حوزه سلامت، معتقد است برخورد مناسب با بیمار بسیار حائز اهمیت است: «پرستار برخلاف دیگر مشاغل، علاوه بر کار جسمی، با رفتار، اخلاق و عواطف خود و تحمل تمام سختی‌های مربوط به برخورد با بیماران و مشکلات ناشی از بیماری، سلامتی را به مردم هدیه می‌کند.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۵/۳)

و در مورد هزینه‌های مالی بیمار در طرح کلی سلامت که هم به مسئله آموزشی بهداشت، هم به سیاست‌های اجرایی و زیرساخت‌ها، سلامت روانی جامعه، تأمین امنیت غذایی و... تأکید دارند؛ مطرح می‌کنند به گونه‌ای باید رفتار نمود که «بیمار جز رنج بیماری دغدغه و رنج دیگری نداشته باشد.» (ابلاغیه رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱۸)

۳.۴ رونق اقتصادی

در نگرش مقام معظم رهبری مصون‌سازی اقتصادی کشور، زمینه رونق اقتصادی را فراهم می‌کند. زمانی مصونیت اقتصادی تحقق می‌یابد که دولت با نظامی از قوانین و توان‌بخشی به بخش خصوصی بستر را برای ورود اقشار مختلف مردم فراهم آورد و از سوی دیگر با مفاسد اقتصادی و رانت‌هایی که فرصت‌های ورود بخش‌های خصوصی را با مختل روبه‌رو می‌سازد مبارزه نماید. همچنین از ورود کالای قاچاق ممانعت ورزد تا بازار تولید ملی با اختلال مواجهه نشود.

عمده‌ی توصیه‌های ما این‌ها است: اولین مطلب... مسئله‌ی بهبود فضای کسب‌وکار است؛... قوانین مزاحم، مقررات مزاحم، عملکرد احیاناً غلط،... (ایجاد محیط مساعد تولید را در کشور به وجود بیاورند؛ یعنی محیط مساعدی به نفع حرکت تولیدی و جهت‌گیری تولید، در مقابل جهت‌گیری واردات و تکیه‌ی به خارج... باید جدیت بشود در این قضیه. فضای کشور را، فضای اقتصادی کشور را، فضای مالی و پولی کشور را، بانک را، گمرک را، بودجه را، تأمین اجتماعی را، مقررات این‌ها را در جهت‌ی سوق بدهند که به نفع تولید باشد؛ واردات و واسطه‌گری و سفته‌بازی و مانند این‌ها در انزوا قرار بگیرد؛ این مهم‌ترین مسئله است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۸/۲۸)

زمانی که این مؤلفه‌ها در کارویژه‌های اقتصادی رعایت گردند؛ تولید ثروت ملی که در اقتصاد بسیار حائز اهمیت و ارزشمند شمرده می‌شود؛ محقق می‌گردد و این ثروت به سمت تولید سوق می‌یابد. در نتیجه سبب تحول اقتصادی در جامعه می‌شود.

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۵۷

اگر تولید شد، آن وقت در بخش‌های مختلفی تحول ایجاد خواهد شد؛ اگر رونق تولید وجود داشته باشد، هم تأثیر می‌گذارد در اشتغال، هم تأثیر می‌گذارد در کم کردن تورم، هم حتی تأثیر می‌گذارد در وضع توازن بودجه، هم تأثیر می‌گذارد در بالا رفتن ارزش پول ملی... ببینید این باید انجام بگیرد و در برنامه قرار بگیرد؛ هم در برنامه‌ی دولت، هم در برنامه‌ی مجلس، هم در برنامه‌ی آحاد مردمی که توانایی ورود در وادی تولید را دارند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱/۱)

۴.۴ به‌کارگیری استعداد نیروهای انسانی

در دوران معاصر سرمایه فکری مهم‌ترین استراتژی یک نظام، جهت برون‌رفت از وضعیت موجود و پیشبرد جامعه به شمار می‌رود. (Roos, 1997: 413-426) افزایش بهره‌وری و توسعه منابع انسانی برای رشد آسایش و رفاه سطح زندگی بشریت همیشه مدنظر حکومت‌ها قرار داشته است. «منابع انسانی یک گنجینه و یک ثروت عظیم برای هر کشوری هستند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۷/۲۵) در واقع از جمله مؤلفه‌های حیاتی، تحقق ارتقای رفاه اجتماعی، به‌کارگیری استعدادها و منابع انسانی است. افراد افزون بر توانایی‌های نهفته در وجودشان، تمایل به کار متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند که با کاربست ارزش‌های اسلامی می‌توان بهره‌وری از استعدادها و نهفته در انسان‌ها و همچنین انگیزه خدمت‌رسانی در آن‌ها را دوچندان ساخت. البته در این راستا می‌بایست بسترهای ابتکار و خلاقیت عمل را نیز برای افراد فراهم نمود که بی‌تردید تحول در ساختار توسعه کشور شکل خواهد گرفت که پیامدش تقویت نظام سیاسی خواهد بود. در اندیشه مقام معظم رهبری «نیروی انسانی صالح، چابک و برخوردار از فکر و مدیریت صحیح» به همراه «ایستادگی، عزم راسخ، توکل به خدا و امید به آینده... معجزه می‌کند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۹/۸) البته پیش‌زمینه بهره‌وری از استعدادها، استراتژی مدیریت در حفظ، هماهنگی و تناسب به‌کارگیری آن‌ها است. «تلاش کنید از نخبگان در چیدمان مدیریتی کشور استفاده کنید؛ مدیریت‌های میانی به این جور جوان‌ها احتیاج دارند... بخصوص از آن‌هایی که متدین و دنبال کارهای دینی و اسلامی و مانند این‌ها هستند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۷/۲۵)

۵. عدالت اجتماعی

از جمله مسائل حائز اهمیت در جامعه سیاسی عدالت اجتماعی شمرده می‌شود. در مکتب اسلام، عدالت از اصول ایمانی و شخصیتی انسان‌ها محسوب می‌گردد.^۲ در واقع قوام حکومت در تحقق عدالت اجتماعی نهفته است. در راستای نهادینه‌سازی عدالت در اجتماع، ایدئولوژی‌های متفاوتی با تفسیری نو توأم با خاستگاه جهان‌گستری و فراگیری خویش، مدعی تحقق آرمان عدالت‌گرای دیرینه انسان‌ها را در جامعه داشته‌اند؛ اما پس از مدتی مضمحل گردیدند و برخی نیز همچنان به حیات خویش ادامه دادند.

به این خاطر تحقق عدالت در جامعه باعث انتظام نظریه‌های سیاسی گوناگونی گشته است. هر مکتب فکری به نوعی خاص، بر عدالت اجتماعی اهتمام ورزیده است. در جامعه غرب در دوران باستان، متفکرانی همچون افلاطون و ارسطو بر عدالت تأکید داشته‌اند؛ اما در عصر حاضر که نظام سیاسی غرب از مکتب لیبرالیسم جوشیده و آن را در پندار خویش «نقطه تکامل اندیشه بشریت» پنداشته است؛ (Fukuyama, 1992: 25) واژه عدالت اجتماعی رنگ برابری را به خود گرفته و به‌عنوان رکنی از دموکراسی غربی نهادینه‌شده که اساس آن ریشه در قرارداد اجتماعی دارد. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۳) از سوی دیگر در مکتب سوسیالیسم از دریچه اقتصادی به عدالت اجتماعی نگریسته‌اند. همواره سوسیالیست‌ها بر این عقیده‌اند زمانی عدالت اجتماعی محقق می‌گردد که عدالت اقتصادی در جامعه تحقق یابد. از رهیافت این ایدئولوژی‌ها در طول تاریخ، بشریت همواره شاهد دگرگونی‌ها و انقلاب‌های بسیاری جهت تغییر شیوه حکومت‌ها برای دستیابی به عدالت و قسط بوده است، زیرا در مقیاس فکری و معرفتی بشریت، عدالت‌خواهی مفهومی آرمانی و بنیان نظام سیاسی مطلوب به شمار می‌رفت. درحقیقت عدالت، برخوردار از یک «ارزش اجتماعی» بود. (gordon, 1988: 53) به این خاطر شکل‌گیری نظام عادلانه را سازنده جامعه‌ای پویا می‌دانستند.

انقلاب اسلامی مبتنی بر تفکر اسلامی همچون دیگر مکتب‌ها با داعیه برپایی نظام عدالت‌گرا به تحدی با سایر ایدئولوژی‌های سیاسی پرداخت و تفوق بر سایر اندیشه‌ها یافت؛ زیرا تفکر انقلاب اسلامی از سویی در بعد فردی دربرگیرنده تعالیمی برای ارتقای رشد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انسان است؛ و از سوی دیگر، در بعد جامعه‌سازی، حاوی قوانینی برای تنظیم نظم اجتماعی و مجموعه‌ای که افزون بر تأمین سعادت بشریت، رفاه و آسایش معیشتی را مدنظر دارد. به این جهت اندیشه اسلامی در نظام فکری مقام معظم رهبری به‌عنوان یک جهان‌بینی کامل، قادر است حیات سیاسی بشریت را سامان دهد. (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۴/۲۱)

در نظام فکری مقام معظم رهبری

عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله‌ی ژرف میان طبقات و برخوردارهای نابه‌حق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلاب‌اند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود، همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجایی مطمئن پناه برد و همه کس بداند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد. (پیام رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

بی‌تردید در تحقق عدالت در جامعه، تبعیض‌ها برداشته می‌شود و اقشار جامعه به حقوق خویش دست می‌یابند. جهت این منظور، استمداد تمام قوای جامعه برای نیل به این هدف را می‌طلبد. ایشان معتقد است در صورتی عدالت در بستر جامعه محقق می‌گردد که به همراه معنویت و اخلاق از یک‌سو و از سوی دیگر با عقلانیت سیاسی نظام فکری و رفتاری درهم‌تنیده، برای آحاد جامعه ایجاد شود. (ر.ک: بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۶/۱۶) به عبارتی برای برون‌رفت از مشکلات، نیاز به ذهنیت خلاق، عقلانیت و تدبیر لازم است تا بتوان بر اساس آن جامعه را پیش برد «اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود. اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۶/۱۶) و برای آن‌که افراد گرفتار مادیات و تعلقات دنیوی نگردند نیازمند عمق معنویت دینی در نظام فکری و رفتاری‌شان است

اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم - یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد - این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود. (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸)

بنابراین عدالت اجتماعی به معنای احترام حقوق آحاد جامعه و رعایت مصالح عمومی شمرده می‌شود.^۳ با توجه به تأثیر عدالت اجتماعی در دگرگون‌سازی محیط اجتماعی برای دست‌یابی به بینش سیاسی و کمال انسانی، عدالت اجتماعی در منظومه فکری مقام معظم رهبری جایگاهی بس اساسی یافت، حذف فاصله طبقاتی، محرومیت‌ها و برخوردارهای نا به‌حق سبب گشت ایشان لزوم تدوین قوانینی جهت رفع محرومیت اقشار مستضعف و توجه

به پابرهنگان و مستضعفان را ضروری بداند: «با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود.» (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳) به این خاطر به مهم‌ترین ابعاد این موضوع اشاره می‌شود.

مضمون اصلی	مضمون فرعی	داده‌های بیانات رهبری
عدالت اجتماعی	محرومیت‌زدایی از جامعه	برطرف کردن فقر و محرومیت به‌عنوان بخش مهمی از عدالت
		وظیفه‌ی دولت عدالت‌مدار، توجه ویژه به قشر محرومین است
		هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم -نه بخشی از مردم و قشرهای خاص- باشد
		علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است
		وظیفه‌ی ما به‌عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است.
	امنیت قضایی در جامعه	قوه قضاییه باید به جایگاهی برسد که هر فرد مظلومی احساس کند با رجوع به دستگاه قضایی می‌تواند حق را بگیرد
		اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد
		باید آن‌قدر مراجعات دادخواهانه، با نتایج عادلانه و منصفانه همراه شوند که احساس و امید گرفتن حق و رفع مظلومیت، در همه مردم به وجود آید
		مردم در کنار قوه قضائیه، احساس آرامش کنند
	مبارزه با بهره‌مندی‌های نابجا	فرصت‌های بهره‌مندی از امکانات عمومی در اختیار همه قرار گیرد و سوءاستفاده نباشد
مقابله با سوداگری‌های زیان‌بخش،		

۱.۵ محرومیت‌زدایی

در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی از مهم‌ترین دلایل فقر و محرومیت، شکاف اجتماعی دانسته می‌شود. ایشان رفع محرومیت را از مهم‌ترین گام‌های استقرار عدالت اجتماعی برمی‌شمارند و تلاش برای رفع آن را عامل اساسی برای رسیدن بشریت به کرامت انسانی برشمرده‌اند. ایشان در مقابله با متفکران لیبرالیستی جهان که به عدالت توزیعی و خودجوش و بازار آزاد تأکید می‌کردند^۴ به دفاع از محرومان و مستضعفان پرداخته و ضمن تسکین آلام

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۶۱

طبقات ضعیف جامعه، فقرزدایی را از اهم وظایف دولت اسلامی برمی‌شمارد. چراکه فقر موت اکبر برای جامعه محسوب می‌گردد. (نهج‌البلاغه، ح ۳۱۱) بنابراین فقرزدایی و کاهش فاصله طبقات اجتماعی و تلاش برای برابری افراد در بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌ها، عدالت اجتماعی را در جامعه متبلور می‌سازد. «برطرف کردن فقر و محرومیت به‌عنوان بخش مهمی از عدالت باید در درجه اول اهمیت در دستور کار مسئولان کشور قرار گیرد.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۶/۸) مسلماً جامعه‌ای که دچار فقر و محرومیت گشته باشد قدرت پیشروی را ندارد. «الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ» (نهج‌البلاغه، ح ۳) به این خاطر فرهنگ جامعه مطلوب اسلامی، زمانی فراهم می‌گردد که از یک سو با افزون‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها مبارزه شود. «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُنِعَ بِهِ غَنِيٌّ» (نهج‌البلاغه، ح ۳۲۰)

۲.۵ امنیت قضایی در جامعه

در طول تاریخ همواره پیشرفت و رشد همه‌جانبه کشور، ایجاد اختراعات، نوآوری‌ها در ابعاد مختلف، در سایه بهره‌مندی از امنیت و احساس امنیت بوده است. به‌طور کلی امنیت، حیات سیاسی و اجتماعی یک نظام را تضمین می‌کند. مسئله امنیت قضایی، زیربنای امور اجتماعی و روند دولت - ملت را مشخص می‌سازد که به معنای کیفیت مناسب عملکرد سیستم دولتی اعم از دستگاه قضائی، نهادهای امنیتی، بازرسی انتظامی در بکار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون است. (نوروزی، ۱۳۷۹: ۶۸-۷۹) به‌گونه‌ای که انسان‌ها آن‌چنان فراغت بال یابند که بدون واهمه از تعرض افراد صاحب قدرت، حیات مدنی خودشان را در سایه اقتدار قانونی و قضایی ادامه دهند. (پرواز، بی تا: ۶) هدف از امنیت قضایی، تأمین حقوق همه افراد جامعه و تلاش در ایجاد نظامی عادلانه می‌باشد. (ر.ک: قانون اساسی، اصل ۳) در واقع زمانی در جامعه امنیت قضایی محقق می‌گردد که دستگاه قضایی بتواند عدالت را در جامعه محقق نماید. (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۴/۷) «قوه قضاییه باید به جایگاهی برسد که هر فرد مظلومی احساس کند با رجوع به دستگاه قضایی می‌تواند حق را بگیرد و مظلومیت خود را برطرف کنند.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۴/۷) و موجب آرامش مردم در جامعه شود. (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۴/۷) بنابراین میان امنیت قضایی و عدالت اجتماعی نوعی التزام وجود دارد. از سوی دیگر ایفای به حقوق اجتماعی و عمل به قانون نیز با امنیت در ارتباط است. در حقیقت بستر شکل‌گیری امنیت قضایی و امنیت ملی در تحقق امنیت حقوقی آحاد جامعه نهفته است. (ر.ک: قانون اساسی، اصل ۲۱) زیرا در این رهیافت ابعاد مختلفی از

ارزش‌های بنیادین و حیاتی نظام سیاسی تضمین می‌گردد؛ یعنی «اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۴/۷) در نتیجه ثبات و امنیت اجتماعی پایدار می‌گردد و زمینه پیشرفت و رشد جامعه فراهم می‌گردد.

۳.۵ مبارزه با بهره‌مندی از حقوق نابجا

از جمله آسیب‌ها و انحرافات جوامع انسانی در طول تاریخ، نابرابری‌های حقوقی و اجتماعی می‌باشد. این مسئله با شکل‌گیری نظام دولت - ملت فزونی یافت و در شکل‌های مختلف متبلور گشت. در واقع با تمرکز قدرت و ثروت در نهاد دولت، فساد سازمان‌یافته‌ای نیز تحقق یافت. (ر.ک: ربیعی، ۱۳۸۳) در کشورهای اسلامی با تکیه بر الگوی توسعه غربی، ترویج فرهنگ ناقص اسلامی، شکل‌گیری سازمان‌های بیمار، عدم ترویج سبک زندگی اسلامی و بی‌توجهی در نگرش خدمت‌رسانی و تکلیف‌نگری در مسئولان، باعث ایجاد رانت و فساد گشت. در این رهگذر برخی فعالان اقتصادی به سبب ثروت و رانت‌هایی که به وجود آوردند شریان حیات اقتصاد جامعه را از طریق انحصارات تصاحب نمودند و عموم جامعه را به استضعاف و فقر کشانند؛ و عملاً از حرکت به سمت دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی، باز داشتند. در حالی که بازپس‌گیری حقوق و بسط عدالت در ابعاد مختلف ضرورت دارد؛ زیرا گسترش عدالت زمینه‌گشایش و توسعه امور را محقق می‌سازد. «فَأَنَّ فِی الْعَدْلِ سَعَةً» (نهج البلاغه، خ ۱۵) در این باره رهبری می‌فرماید: «عدالت در همه امور اجتماعی، از جمله در امور اقتصادی لازم است. نمی‌گوییم همه یک اندازه درآمد داشته باشند؛ اما فرصت‌های بهره‌مندی از امکانات عمومی در اختیار همه قرار گیرد و سوءاستفاده نباشد.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۴/۷)

۶. روحیه و آرمان انقلابی

در جوامع بشری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش معتنا بهی در کنش‌های جمعی به‌شمار می‌روند. «در یک جامعه اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۷/۲۹) در منظومه فکری رهبری، برخورداری از روحیه انقلابی و پایبندی به آرمان‌ها و رعایت آن‌ها تکلیف دینی است که مستلزم تقوای سیاسی

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۶۳

محسوب می‌گردد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴) افزایش روحیه انقلابی با شدت مقاومت و اعتراض در برابر بی‌عدالتی و ظلم شکل می‌گیرد. چنین روحیه‌ای دوران مبارزات در مواجهه با رژیم پهلوی در سطوح مختلف جامعه ایران بسط یافت و سبب بردباری اجتماعی، افزایش انسجام اجتماعی، پیشرفت و رشد، با همت بلند مبارزه با کژکارکردها در ابعاد مختلف نظام سیاسی و هدف‌گیری مدام آرمان‌ها گردید؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برخی مواقع دشمنان با دسیسه‌های فرهنگی سبب کاستی این روحیه شدند. به این خاطر باید توجه داشت رشد و عبور از مرزهای پیشرفت در ابعاد مختلف نظام سیاسی، نیازمند روحیه انقلابی است. این مسئله با ایمان، اعتماد به نفس، امیدواری، شجاعت، روحیه آینده‌نگری، روحیه خدمت، پایبند به تعلقات معنوی، پایبند به تعلقات میهنی، بصیرت سیاسی صورت می‌گیرد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۴/۱۱)

مقام معظم رهبری در مورد روحیه و آرمان انقلابی مطرح می‌نماید باید مراقب بود

میل به زندگی راحت و مرفه، جامعه و مسئولان را به سازش کاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرت‌های جهانی و غفلت از توطئه‌ی استکبار و بی‌اعتنایی به پیام جهانی انقلاب نکشانند. آن روزی که خدای نخواستہ جمهوری اسلامی، رفاه و آبادی را هدف عمدۀ خویش قرار داده و در این راه حاضر به چشم‌پوشی از آرمان‌های انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه‌ی امیدها خواهد بود؛ و خدا چنین روزی را ان‌شاءالله هرگز نخواهد آورد. (پیام رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

بنابراین رهبری مؤلفه‌هایی جهت حفظ روحیه انقلابی مطرح می‌کنند که مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مضمون اصلی	مضمون فرعی	داده‌های بیانات رهبری
روحیه و آرمان‌های انقلابی	نفی اشرافی‌گری از مسئولان	به نظر من اشرافی‌گری برای یک کشور، آفت است؛ اشرافی‌گری مسئولان، آفت مضاعف است
		امتیاز طلبی مسئولان و ... بی‌مبالاتی به بیت‌المال
		(باید) زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بی‌بهره را هم تخریب کنید
		مسئولان در نظام اسلامی نمی‌توانند این تصور را داشته باشند که چون مسئولان در کشورهای دیگر از امکانات گوناگون برخوردارند
	هوشمندی ر مواجهه با توطئه استکبارگران	جوانان لازم است هوشیارانه و مصمم نقشه دشمنان را خنثی کنند
		ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن

		باشد
		افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی جامعه
		هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است
		به مسئولان و مدیران آموزش عالی، عرض می‌کنم: شماها خیلی مسئولید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب باشید محیط دانشگاه، یک جایگاهی نشود برای واگرایی از انقلاب و مفاهیم انقلاب و ارزش‌های انقلاب، از تدین، از انقلابیگری
		همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف نشدن از هدف‌های بزرگ (است)
	زنده نگه‌داشتن اهداف و آرمان‌های انقلاب	مجلس بایستی در مسیر انقلاب و هدف‌های انقلاب حرکت کند. هدف‌های انقلاب چیست؟ در درجه‌ی اول حاکمیت اسلام است

۱.۶ نفی اشرافی‌گری از مسئولین و جامعه

از جمله مؤلفه‌هایی که سبک رفتار مسئولین و آحاد جامعه را دگرگون می‌سازد و باعث شکاف و تحول در بافت اجتماعی می‌شود؛ مسئله اشرافی‌گری است. اشرافی‌گری افزون بر آنکه تضییع سرمایه‌هاست؛ (بوند و بلن، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۵) یک مؤلفه ضد ارزشی را ارزش تلقی می‌کند و به فرهنگ اجتماعی تبدیل می‌سازد. «وقتی اشرافی‌گری در قله‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۵/۱۱) در واقع به هر میزان روحیه اشرافی‌گری به کانون اصلی قدرت سیاسی تسری یابد؛ به همان میزان در بطن جامعه متجلی می‌گردد. برآمد این مسئله، افزون بر بی‌اعتمادی سیاسی و تزیق ناامیدی به جامعه، موجب انتقادات فراوانی از نظام سیاسی می‌شود. به این دلیل تأکید رهبری در مبارزه با این خصیصه، متوجه مسئولان است. «به نظر من اشرافی‌گری برای یک کشور، آفت است؛ اشرافی‌گری مسئولان، آفت مضاعف است.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۹/۱) در نظام فکری ایشان اشرافی‌گری مسئولان سبب «امتیاز طلبی مسئولان»، «بی‌مبالاتی به بیت‌المال» و «بی‌توجهی به طبقه مستضعف» می‌گردد که رفتاری ضدانقلابی محسوب می‌شود. (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۹) بنابراین اشرافی‌گری به‌عنوان یک آسیب اجتماعی محسوب می‌گردد که مانع برون‌رفت جامعه از وضعیت موجود می‌باشد. بدین سبب «(باید) زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بیهوده را هم تخریب کنید... از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی نکنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۹/۱۱) در این رهگذر و با برهم زدن روحیه اشرافی‌گری تمامی طبقاتی از بین می‌رود و

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۶۵

اخوت اسلامی جایگزین آن می‌شود. چنین جامعه‌ای بنیان «امت واحده» را می‌نهد که در راستای جامعه مطلوب اسلامی خواهد بود.

۲.۶ هوشمندی در مواجهه با توطئه استکبارگران

با پیروزی انقلاب اسلامی توطئه‌های مختلفی از سوی معاندان نظام جمهوری اسلامی آغاز گردید. نظام سلطه که منافعش را در زوال می‌دید فتنه‌هایی را تدارک نمود تا نهال نوپای انقلاب را در هم شکند. در این رهیافت از تمام حرب‌ها بهره بردند؛ اما با رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری بر هوشمندی در مواجهه با فتنه استکبارگران، سبب گردید دشمنان انقلاب در عرصه‌های مختلف ناکام بمانند. «ما مواجهیم با یک حمله همه‌جانبه فرهنگی، اعتقادی و سیاسی اعلام نشده؛... (دشمن) از روش‌های مختلفی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. سه ابزار اساسی این روزهای دشمنان، ایران هراسی، تحریم و نفوذ است.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۱/۱) در واقع یک جنگ نرم پیچیده و سازمان‌دهی شده که از گستردگی بالایی برخوردار است؛ علیه نظام جمهوری اسلامی در حال شکل‌گیری است تا باورهای مردم را تغییر دهد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۷/۱۳) بنابراین زمانی معاندان می‌توانند نفوذ نمایند که با تغییر نگرش‌ها و ساختارها بتوانند مانایی روحیه انقلابی بودن افراد را نیز دگرگون سازند.

در پرتو این مؤلفه، مقام معظم رهبری، بصیرت‌افزایی را عامل مهم ممانعت از دسیسه‌های نظام سلطه می‌داند. البته رهبری در بعد فردی، اجتماعی و حاکمیتی وظایفی را جهت مقابله با دسیسه‌گران مطرح می‌نماید. (پورکاو و صلواتیان، ۱۳۹۶: ۱۳۱) ایشان در حوزه فردی تأکید دارد «جوانان لازم است هوشیارانه و مصمم نقشه دشمنان را خنثی کنند.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۳/۱) به عبارتی نیاز است انسان‌ها بیش سیاسی فردی خویش را تقویت نمایند. در بعد اجتماعی مطرح می‌کنند حفظ عزت نفس اجتماعی، آمادگی و عزم در میادین، حفظ یکپارچگی ملت، حفظ موج عظیم مردمی، عدم اظهار ضعف و عقب‌نشینی را لحاظ نمایند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۱۰/۱۵) مقام معظم رهبری وظایف حاکمیت را در مرزبندی روشن با دشمن، اجرای کامل شریعت اسلامی، افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی جامعه، (بیانات رهبری، ۱۳۶۵/۹/۱۴) توجه به استقلال کشور، (همان، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹) ایستادگی در مقابل دشمن برمی‌شمارد. (همان، ۱۳۹۴/۴/۲) در صورتی که در این ابعاد، نظام اجتماعی و سیاسی ایران هوشمندانه عمل نماید؛ می‌تواند در پویایی و پیشرفت گام بردارد.

۳.۶ زنده نگه داشتن اهداف و آرمان‌های انقلاب

مقصود از آرمان‌های انقلاب اسلامی، اهداف متعالی مادی و معنوی هستند که نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی جهت دستیابی به آن‌ها انتظام یافته است. بی‌تردید آرمان‌های هر انقلابی را می‌بایست در رهبران پدیدآورنده آن جستجو نمود. در نظام داناتی امام خمینی، احیای هویت اسلامی، استقلال، آزادی و عدالت از برجسته‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی به‌شمار می‌روند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۸۳/۱۳) مؤلفه‌هایی که در بیانات رهبری نیز به آن‌ها تأکید شده است. آرمان‌هایی که منبعث از اندیشه اسلامی بودند و ملت ایران جهت تحقق آن‌ها با ایمان راسخ به مبارزه و مقاومت پرداختند. ایمانی که نوید جامعه مطلوب اسلامی را به آن‌ها وعده می‌داد.

هیچ ایمانی قدرتمند نیست مگر آنکه با ایمان به آینده نیز همراه باشد و مگر آن‌که عنصری از خوشبختی و رفاه در خود داشته باشد. به همین ترتیب، یک نظام اعتقادی مؤثر مزید بر آنکه یک منبع قدرت است، باید رمز گشای اسرار کتاب آینده هم باشد. (هافر، ۱۳۷۲: ۴۹)

بنابراین انقلاب توانست به یک انحطاط تاریخی پایان دهد و جامعه عقب‌مانده را در مسیر پیشرفت قرار دهد؛ (پیام رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) اما در این مسیر پابندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی در راه توسعه و سازندگی اهمیت فراوانی دارد. چراکه راه امام خمینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از مستضعفان خواهد بود. (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۵/۱) «هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است.» (پیام رهبری، ۱۳۷۲/۱/۱) مقام معظم رهبری در مناسبت‌های گوناگون به اهداف انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف اهتمام می‌ورزند. در بعد اقتصادی ایشان توسعه و آبادانی کشور را زمانی موفقیت‌آمیز می‌دانند که با تفکر و اصول اسلامی ممزوج شده باشد و این توسعه بتواند آرمان‌های انقلاب اسلامی را تحکیم بخشد؛ در غیر این صورت «کشور به توهم سازندگی در ورطه وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی» (پیام رهبری، ۱۳۷۵/۳/۱۱) خواهد غلتید. در بعد فرهنگی، پویایی فرهنگی را زمانی محقق می‌داند که محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر محور تقوا و ایمان شکل گرفته باشد. در بعد سیاسی اهداف نظام جمهوری اسلامی را استقلال، تأمین امنیت، آزادی و نفی تفتیش عقاید، رفتار کریمانه حاکمیت با آحاد جامعه، تحقق عدالت اجتماعی و جلوگیری از رانت‌ها و انحصارها می‌داند. ایشان تنها مسیر پویایی

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۶۷

ابعاد مختلف نظام سیاسی را ساماندهی مناسبات اجتماعی با ارزش‌های اسلامی می‌داند و از این رهیافت امکان ایجاد جامعه مطلوب اسلامی میسر خواهد شد.

۷. برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلامی

کنش اخلاقی، نتیجه و برآمده از اصول اخلاقی انسان به شمار می‌رود. رفتار زمانی که با آموزه‌هایی چون ایمان، تزکیه و تهذیب نفس، مراقبه، تقوا، زهد و... تنظیم شود، رفتار اخلاقی را نتیجه می‌دهد. در جهان معاصر که نسبی‌گرایی حکم‌فرما است، محققان حوزه اخلاق، جوامعی را کارآمد می‌دانند که به بیان برنز از «رهبری اخلاقی» برخوردار باشند.^۵ زیرا پیامد آن، تعالی اخلاقی آحاد مردم و تحول‌آفرینی در رفتارشان خواهد بود. در مقابل باید گفت رفتارهای ضد اخلاقی صاحبان قدرت، فضایی را تشکیل می‌دهد که بستر فهم عمومی از مسائل، برچیده‌شده و حتی درک نیاز به رفتارهای اخلاقی در جامعه، ناتوان و ضعیف می‌گردد. به این خاطر به همان تناسبی که «ماهی نیازمند آب و جنبندگان نیازمند هوا هستند؛ رهبران احتیاج به رفتاری اخلاق مدارند.» (ر.ک: ازگلی، ۱۳۸۵) بنابراین از جمله وظایف مدیران جامعه سیاسی «بررسی و تعیین رابطه بین سیاست و جامعه، رابطه بین نهادهای اجتماعی و سیاسی و رابطه بین رفتار اجتماعی و سیاسی است.» (راش، ۱۳۷۷: ۱۵) اینکه جامعه متأثر از فضای هنجارهای اخلاقی و یا نگرشی مبتنی بر منفعت‌پرستی باشد؛ بستگی به سیاستی دارد که مسئولان نظام سیاسی آن را ساماندهی می‌کنند. مدیریت این دو عنصر، برای هنجارسازی و رفتاری توأم با اخلاق اسلامی از آحاد جامعه، ضرورت دارد تا جامعه از ایستایی بیرون آید. اساساً حیات جامعه سیاسی در نظام فکری اندیشمندان در گرو نهادینه شدن اخلاق در آن می‌باشد. «بدون اخلاق اجتماعی، اجتماعات نابود می‌گردند و بدون اخلاق فردی، بقای جامعه ارزشی ندارد، بنابراین بقای یک دنیای خوب، اخلاق اجتماعی و فردی متساویاً لازم‌اند.» (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۷)

مقام معظم رهبری اقتضای عقلانیت دینی را در شکل‌گیری جامعه تعالی‌محور، فضایی توأم با اخلاق اسلامی می‌داند. به این جهت در پیشبرد نظام و دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی، همواره تأکید بر رشد معنویت و اخلاق توأم با امور مادی می‌نمایند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰) و به مسئولین تأکید بر رعایت رفتار اخلاقی دارند

اگر مسئولان و مدیران کشور نتوانند در رفتار و گفتار به نصاب لازم و درخور شأن جمهوری اسلامی برسند نباید مردم را ملامت کنند. چراکه اگر کارگزاران نظام حقیقتاً

اسلامی شدند رفتار مردم هم بالطبع اسلامی می‌شود و کشور نیز اسلامی خواهد شد.
(بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸)

بر این اساس، ارزش‌های اخلاقی، بنیادی‌ترین مؤلفه‌های رفتاری در نظام فکری مقام معظم رهبری هستند. ایشان افزون بر اینکه خودشان بر مسئله تهذیب نفس اهتمام دارند به مسئولان نیز تأکید بر رعایت ارزش‌های اخلاقی را دارند.

در چارچوب فکری رهبری، گام اول جهت پیشبرد جامعه، خودسازی فردی و تهذیب نفس، بیان اصلی رفتار اخلاقی محسوب می‌گردد؛ چراکه ایشان رهایی از قیود و حصارهای دنیوی را تنها با تهذیب و تزکیه ممکن می‌داند و غفلت از آن را سرمنشأ اسارت بشریت می‌شمارد.

اگر امروز هم ملت ایران بخواهد این بار سنگین امانت را بر دوش خود حمل کند و به سر مقصد مطلوب برساند، جز خودسازی هیچ راهی ندارد. ما باید به خدا اتکا و اتکال کنیم و این، جز بندگی و تسلیم در مقابل خدا چیزی نیست. اتکای به خدا و اعتماد به وعده الهی از هر کسی بر نمی‌آید. (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۲/۷)

مسئله تهذیب نفس به مثابه امر اجتماعی، جهت سعادت جامعه و یک راه حل سیاسی برای رهایی از اختلافات سیاسی قلمداد می‌شود. به این جهت، مسئله مراقبت نفس را به آحاد جامعه و مسئولان تأکید می‌نمودند و نسبت به سرکشی‌های نفس همواره هشدار می‌دادند.

برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام، بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت‌های اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزش‌های اصلی به حساب آید.
(پیام رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

در نظام فکری رهبری «جامعه اسلامی باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پر امید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت نماید». (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۵/۷) رمز تداوم پویایی جامعه اسلامی در ارج نهادن آحاد مردم به مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. «جامعه اسلامی با انجام این تکلیف، زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر است.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۵/۷) در غیر این صورت «لَيْسَتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» رخ می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳:

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۶۹

۳۷۸/۹۰) افزون بر ارزش‌های اخلاقی که به آن‌ها پرداخته شد؛ دو مؤلفه نقش محوری در بیانات رهبری دارند که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

مضمون اصلی	مضمون فرعی	داده‌های بیانات رهبری
بخش‌داری از ارزش‌های اخلاقی اسلامی	صدق	انسان‌های صادق در یک جامعه‌ای باشند، این جامعه، جامعه‌ی برجسته‌ای می‌شود
		لحن صادقانه و لحن حاکی از واقع‌نگری و واقع‌گرایی، مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
		انسان اگر صادق باشد، حرف و کار و راه او، در عالم واقع و خارج برکت پیدا می‌کند. صدق یک ملت و یک امت، می‌تواند آن‌ها را در میدان‌های گوناگون پیروز کند
		عزیزان من! اساس در همه‌ی مسئولیت‌ها تدین، امانت و صداقت است
		انقلاب به کار آدم‌های کارآمد و صادق نیاز دارد صدق و اخلاص شرط اول است
	صبر و استقامت	برای تأمین آینده احتیاج داریم به صبر و ثبات؛ بایستی گاممان را محکم کنیم
		مسئولین هم باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند
		در مقابل کارشکنی، در مقابل وسوسه، در مقابل اذیت کردن و جوسازی کردن و مانند این‌ها، تنها راه مهم و مؤثری که وجود دارد عدم انفعال و ادامه‌ی راه و استقامت است؛ این توصیه‌ی بنده است
		صبر و تقوا موجب می‌شود که همین دشمن عنود، این کپسول زشت کینه و بغضاء، با همه‌ی توانایی‌هایی که برای خودش فراهم کرده، هیچ غلطی در مقابل شما نتواند بکند

۱.۷ صداقت

در عرصه حکومت‌داری، به دست آوردن اعتماد مردم اهمیت وافری دارد؛ زیرا اگر اعتماد مردم شکل نگیرد پیوند میان مردم و حکومت گسسته می‌شود و در این حالت پایه‌های نظام لغزان می‌گردد. بی‌شک از جمله مؤلفه‌هایی که می‌تواند میان حکومت و مردم ایجاد پیوند نماید، صداقت حاکمان است. جامعه اگر مسئولان خویش را صادق در گفتار و رفتار ببیند به تدابیر و تصمیماتشان اعتماد می‌کند و همواره او را پشتیبانی و یاری می‌نمایند؛ در نتیجه نظام سیاسی می‌تواند مسیر تکامل را بپیماید.

مقام معظم رهبری صداقت را در رأس رفتار خود قرار داده است به مسئولان بر صادق بودن با مردم تأکید می‌ورزند. ایشان معتقدند این صداقت سبب اعتماد مردم و بزرگی و عظمت یک مسئول در قبال جامعه می‌شود؛ همچنان که منجر به دوری جستن از حکومت‌های دیکتاتوری و قهر قدرت می‌گردد و موجب کمال انسانی و عزتمندی در نزد مردم می‌شود.

۲.۷ صبر و استقامت

از جمله فضایل اخلاقی، صبر و استقامت در برابر مشکلات است؛ مقام معظم رهبری نیز از چنین کیمیایی بهره فراوانی برده‌اند؛ چراکه می‌دانستند افزون بر آنکه صبر، کلید انس با خداوند و رهایی از بلیات و دریافت رضای الهی است. برای رسیدن به اهداف متعالیه اسلامی، شکیبایی در مقابل مصائب و دشمنان و جریان‌های ناآگاه ضروری خواهد بود.

من راجع به آینده هم یک جمله ای عرض بکنم. به نظر من برای تأمین آینده احتیاج داریم به صبر و ثبات؛ بایستی گاممان را محکم کنیم... ما این را تجربه کرده‌ایم، میدانیم (مردم) به خاطر ایمان مذهبی‌ای که دارند، به خاطر اعتمادی که به نظام و کشور و جمهوری اسلامی دارند، ثبات مردم انصافاً ثبات خوبی است؛ مسئولین هم باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۵/۱۰)

بی‌تردید زمانی که تصمیمی صورت می‌گیرد و انگیزه الهی در آن مراعات می‌گردد، مواجهه با دشمنی‌ها و شکیبایی و خویش‌داری در مقابل هجمه‌ای از افتراءات و تهمت‌ها اجر معنوی انسان را دوچندان می‌سازد.

ارزش‌گذاری برای صبر، مؤلفه‌ای است که در فرهنگ خداباوری جامعه اسلامی متبلور خواهد بود. رهبری در مورد چنین مؤلفه ارزشمندی مطرح می‌نماید

اگر سختی‌ها را تحمل کردید، خدای متعال درهای فرج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی فرج را به شما نشان خواهد داد و درهای فرج را به روی شما باز خواهد کرد. (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۵/۲۹)

چنین ادبیاتی برگرفته از متن قرآن است که می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» خداوند به خاطر مجاهدت و پایداری فراتر از محاسبات عادی عقل بشریت، همواره رحمت خود را شامل حال مجاهدان راه خدا می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی نقطه آغاز تحول اجتماعی ایران برای نیل به سرمقصد وضعیت مطلوب خود، یعنی تمدن نوین اسلامی است. این تحول اجتماعی با احیای اندیشه اسلامی، پیوندی

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۷۱

میان زیست اجتماعی سیاسی انسان‌ها با مؤلفه‌های دینی برقرار نمود. بدین خاطر عالم نوینی را برای جامعه ایران پدید آورد که در این فضا جدید، برای آنکه بتوان نظم حاکم بر جهان را برهم زد و از سیطره سیاست یکسان‌سازی غربی رهایی یافت؛ می‌بایست به مؤلفه‌های تمسک جست که علاوه بر آنکه برخاسته از متن جامعه هستند برآمده از اندیشه اسلامی باشند تا بتوان وضعیت جدید را ارتقا بخشید و به سمت جامعه مطلوب اسلامی گذار داشت. در این رهیافت، نظام سیاسی ایران افزون بر معرفت به الگوهای کلان هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، غایت‌شناسی، مباحث نظری و تولید دانش در عرصه‌های مختلف، نیازمند آگاهی بر راهبردهایی برای پیشبرد وضعیت موجود و گذار از حالت کنونی است. در نظام فکری مقام معظم رهبری برای عبور از مراحل تمدن نوین اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام‌سازی، دولت اسلامی، جامعه مطلوب اسلامی و تمدن نوین اسلامی) متوقف بر رعایت چهار مؤلفه (ایجاد رفاه مادی، عدالت اجتماعی، حفظ روحیه و آرمان‌های انقلاب، بهره‌مندی از ارزش‌های اخلاق اسلامی) در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. بی‌تردید کارویژه‌های نهادهای حکومتی برای پویایی، مسیری جز تمسک بر این مؤلفه‌ها را ندارد. اگر حکومت اسلامی سازوکار خویش را مبتنی بر این اصول استوار سازد و عدالت را پایه‌ای برای سیاست‌ورزی قرار دهد جامعه به بالندگی خود دست خواهد یافت؛ زیرا در این پیشران‌ها هم ابعاد مادی لحاظ شده و هم جنبه‌های معنوی و سعادت اجتماعی رعایت گشته است. این مؤلفه‌ها قادرند تحول در نهادهای حکومتی و نوع روابط اجتماعی ایجاد نمایند و نظام سیاسی را به سمت ساخت جامعه مطلوب نیل دهند.

پی‌نوشت‌ها

1. www. Areir. Mihanblog. Com.

۲. عن علی (ع) الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ وَ الْبَقِيَّةِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ... وَ الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايِصِ الْفَهْمِ وَ غَوْرِ الْعِلْمِ وَ زُهْرَةِ الْحُكْمِ وَ رَسَاخَةِ الْجَلْمِ؛ فَمَنْ فَهِمَ عِلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ وَ مَنْ عِلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شُرَائِعِ [الْجَلْمِ] الْحُكْمِ وَ مَنْ حَلِمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَ عَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيدًا. (از امیرالمؤمنین (ع) معنی ایمان را پرسیدند، فرمود: ایمان را چهار پایه است: شکیبایی و یقین و عدل و جهاد... و عدالت را چهار شعبه است: فهمی که به عمق چیزها رسد و علمی که حقایق را دریابد و داوری کردنی نیکو و راسخ بودن در بردباری. آنکه نیکو فهم کند به عمق دانایی رسد و هر که به عمق دانایی رسد، از آبخشور

احکام دین سیراب بیرون آید و هر که بردباری را شعار خود سازد، در کارها تقصیر ننماید و در میان مردم، ستوده زیست کند.، نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۳. برخی تقسیم کار، اعطای دستمزد مطابق کارایی، افزودن خدمات و تأمین نیازهای اجتماعی افراد، تسهیل در پیشرفت کار و رسیدن به سعادت را به معنای تحقق عدالت اجتماعی برشمرده اند. در نگرش برخی عدالت اجتماعی قدر و منزلت هر فرد را دانستن به گونه‌ای که مناسب با او رفتار صورت گیرد در جامعه‌ای که زمینه مساعدی برای تحقق محیط مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد به نحوی که مردم آن به هدف‌های انسانی و تأمین نیازهای زندگی، امنیت و بهداشت و حقوق خود برسند و حیثیت انسانی شان همراه با اعتلای فرهنگ و حسن رفتار و معاشرت با دیگران در پرتو قوانین پذیرفته شده باشد می‌توان گفت عدالت اجتماعی به‌خوبی معنا یافته است. (صلیبا، ۱۳۶۶: ۴۶۱)

۴. در قرن بیستم بیشتر لیبرال‌های راست‌گرا مانند هایک، رابرت نوزیک و فریدمن برابری را مخل آزاد و غیرقابل جمع با آن می‌دانند و سخن گفتن از عدالت اجتماعی را در جامعه مرکب از افراد آزاد، موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان‌ها می‌شمارند. از سوی دیگر اغلب لیبرال‌های چپ‌گرا مانند لاسکی، آر اچ تاوونی و جان دیویی منکر وجود تعارض میان آزادی و برابری هستند. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۴۰)

5. Sen, Morality and Leadership: "Examining the Ethics of Transformational Leadership", Journal of Academic Ethicspp, P: 75-86.

کتاب‌نامه

نهج البلاغه.

اخوان کاظمی، مسعود؛ ایوب نیکونهاد، (۱۳۹۷)، «شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، سناریونویسی مطلوب برای آینده»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ششم، ش ۱۴، پاییز و زمستان.

ازگلی، محمد، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر رویکردهای رهبری اخلاقی»، مجله دانشکده علوم انسانی، دوره ۱۵، ش ۶۳، خرداد و تیرماه.

امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۷)، صحیفه امام؛ مجموعه بیانات و اطلاعیه‌های امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.

پرواز، سیاوش، (بی‌تا)، «امنیت قضایی و آسیب‌شناسی آن در ایران»، مجله وکالت، ش ۹.

پورکاوه دهکردی، محمد، سیاوش صلواتیان، (۱۳۹۶)، «فرایند و سازوکار پروژه نفوذ بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی»، سال ۱۴، ش ۵۰، پاییز.

بوند وبلن، توریستین، (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، فرهنگ ارساد، تهران، نشر نی.

صلیبا، جمیل، (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، حکمت.

پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی ... (عیسی مولوی و امیر سیاهپوش) ۱۷۳

- بشیریه، حسین، (۱۳۸۴)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم؛ لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران، نشر نی.
- راش، مایکل، (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، منوچهر صبوری، انتشارات سمت.
- ریعی، علی، (۱۳۸۳)، زنده‌باد فساد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شوارتز، پیتر، (۱۳۹۰)، هنر دورنگری برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم اطمینان، علیزاده، عزیز، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- فتاحیان، محمدحسین، (۱۳۹۹)، «درآمدی بر اندیشه سیاسی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تحقق جامعه اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۹، ش ۳۳، تابستان.
- فتحی، محمد؛ کاظم کوهی اصفهانی، (۱۳۹۷)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان، تهران، شورای نگهبان.
- قانع، حمیدفاضل، (۱۳۸۸)، «آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، ش ۱، زمستان.
- قاسمی، حاکم، (۱۳۹۶)، «تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی»، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، ش ۳، پاییز و زمستان.
- کاظمی، سید علی‌اصغر، (۱۳۷۶)، اخلاق و سیاست؛ اندیشه سیاسی در عرصه عمل، تهران، قومس.
- کاویانی، زهرا، (۱۳۸۹)، «تأملی بر پدیده نحسی منابع طبیعی (مطالعه موردی: ایران)»، دو فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۷، ش ۶۴، پاییز و زمستان.
- گوردون، آدام، (۱۳۹۲)، فهم آینده، ترجمه طیبه واعظی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی: ج ۹۰.
- مجموعه بیانات، پیام‌ها و ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>
- مهری، کریم، (۱۳۹۵)، «نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها (راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد)»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیستم، ش ۶۸، پاییز.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۳)، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، سمت.
- نوروزی، سیامک، (۱۳۷۹)، امنیت قضایی و سازمان قضایی در جمهوری اسلامی ایران؛ سخنرانی در پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹/۶/۷.
- هافر، اریک، (۱۳۷۲)، پیرو راستین، ترجمه فیروزه خلعت بری، تهران، شب‌ویز.

Graham, Gordon. (1988), *Contemporary Social Philosophy*. Oxford: Blackwell.

Roos, G. and Roos, J. (1997), "Measuring Your Company's Intellectual Performance", *Long Range Planning*, Vol. 30 No. 3, P: 413-426.

Sen, Morality and Leadership: "Examining the Ethics of Transformational Leadership", *Journal of Academic Ethicspp*, P: 75 – 86.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی